

# اسلحه‌سازی از رسانه‌های جمعی در جنگ هیبریدی

میلاذ خدائی

دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات  
دانشگاه جامع امام حسین (ع)



مطالعه نقش رسانه‌های جمعی بر امنیت ملی، به واسطه رشد کمی و کیفی روزافزون رسانه‌های جمعی، از اهمیت بسیاری برخوردار است. تمرکز بر کارکرد «رسانه‌های جمعی» در «جنگ هیبریدی» نیز از ادبیات متأخر در حوزه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای ارتباطات و امنیت است؛ بنابراین تمرکز بر این حوزه می‌تواند با دستاوردهایی بدیع همراه باشد. در این یادداشت، ابتدا به تعریف و ویژگی‌های جنگ هیبریدی (جنگ ترکیبی) پرداخته شده است. در وهله دوم بر امنیت ملی و نسبت آن با جنگ هیبریدی تمرکز شده است. در سومین بخش، متمرکز بر نقش رسانه‌های جمعی در جنگ ترکیبی به ارائه مطالب پرداخته شده است و به صورت مطالعه موردی، اهداف راهبردی دولت آمریکا، ناظر بر جنگ هیبریدی علیه ایران بازخوانی شده‌اند. در نهایت نیز به صورت کلی، به راهکارهای مقابله با جنگ ترکیبی اشاره گردیده است.

## جنگ تبلیغاتی در دل جنگ هیبریدی

یکی از مهم‌ترین دلایل طرح اصطلاح جنگ هیبریدی در عصر کنونی، ظهور ابزارهای نوینی همچون شبکه‌های اجتماعی و فضای اینترنت و گسترش رسانه‌های نوین است. می‌توان گفت جنگ هیبریدی از دو خط موازی کنار هم تشکیل یافته است که این دو خط موازی به مثابه یک ریل، قطار اهداف دشمن را هدایت می‌کنند و می‌کوشند قطار رقیب را که ایستگاه به ایستگاه در حال حرکت است، عقب برانند. این دو خط موازی عبارت‌اند از:

۱) واقعیت میدانی؛

۲) برساخت ذهنی و روایی.

دشمن تلاش می‌کند میدان واقعی، مطابق میل او پیش رود اما اگر این‌گونه نبود، سعی می‌کند روایتی از واقعیات بسازد که به کلی وارونه و خلاف واقعیت یا با اندکی بهره‌گیری از واقعیت اما با بزرگ‌نمایی و پروپاگاندا همراه شده باشد.

شایان ذکر است باتوجه به بیانات رهبری معظم انقلاب می‌توان از «تحریف واقعیت‌ها» به عنوان دال مرکزی عملیات روانی دشمن علیه انقلاب اسلامی نام برد. با تأمل بیشتر در این بحث می‌بینیم که در ادبیات اندیشمندان خارجی، استعمار به دو دسته «استعمار کهن» و «استعمار نو» تقسیم می‌شود؛ حال آنکه رهبری معظم انقلاب، دسته سومی به نام «استعمار فرانو» را طرح نموده‌اند.

در استعمار کهن، اشغال نظامی و سیاسی کشورها با حضور آشکار عمال آنها مورد نظر است؛ (مانند هند پیش از گاندی و لیبی پیش از عمر مختار). استعمار نو، به دولت‌سازی استعمارگران در کشورهای هدف اشاره

«Hybrid War» یا آنچه در ایران با عنوان جنگ ترکیبی مطرح شده است را می‌توان مدرن‌ترین و جامع‌ترین شیوه جنگی در دنیا دانست که ویژگی‌هایی مانند ابهام، پیچیدگی و چندبعدی بودن، رویارویی با آن را با دشواری‌هایی همراه نموده است. به نظر می‌رسد در پی «تغییر شیوه مبارزه، پس از دوره جنگ سرد»، طرح واژگان و ادبیات «جنگ ترکیبی» در عصر معاصر از سوی فرانک هافمن و ارتقای آن توسط ویلیام جی نمت می‌تواند به عنوان «انقلابی در شیوه‌های مرسوم جنگ» تلقی شود.

در همین راستا می‌توان به راهبرد «حمله به استراتژی دشمن» به عنوان «ویران‌کننده‌ترین نوع حمله» اشاره کرد که از سوی «سان تزو»، نگارنده کتاب «هنر جنگ» یا «هنر رزم» مطرح شده است. سال‌هاست که کتاب سان تزو و ادبیات راهبردی آن در دانشکده‌های نظامی و علوم استراتژیک، نظامی، امنیتی و عملیاتی تدریس می‌شود.

سان تزو معتقد است جنگ‌ها همیشه و در همه حال در شرف تغییر شکل، استراتژی، هدف و رویکرد هستند؛ به همین دلیل هوشیاری همیشگی در مقابل دشمن، از بایدهای اساسی یک نظام مستقل است که خود را در معرض مواضع خصمانه طرف‌های متعدد می‌بیند.

به روایت سان تزو، اصلی‌ترین ویژگی یک جنگ موفق علیه دشمن، علاوه بر سرعت عمل و هوشیاری و اطلاعات کامل، یک «خلاقیت همیشگی و یک نوآوری بدون وقفه» است. تجلی این راهبرد در کلیدواژه «جنگ هیبریدی» قابل مشاهده است.



## نقش رسانه‌های اجتماعی در جنگ ترکیبی؛ «جنگ روایت‌ها»

رسانه‌های اجتماعی از شش راه می‌توانند برای پشتیبانی عملیات نظامی، مورد استفاده قرار گیرند: «گردآوری اطلاعات، هدف‌گذاری، اطلاع‌رسانی و نفوذ (جنگ روانی) عملیات سایبری، دفاع، فرماندهی و کنترل». دامنه تأثیرگذاری رسانه سبب آفرینش مفاهیم جدیدی از جمله «جنگ روایت‌ها» شده است. تبلیغات، پروپاگاندا و جنگ روانی، پدیده‌های جدید نیستند اما رسانه‌های اجتماعی، قدرت تأثیرگذاری و سهولت به‌کارگیری موارد بیان شده توسط تصمیم‌سازان، رهبران نظامی و سرویس‌های اطلاعاتی را به طرز شگفت‌انگیزی ارتقا داده‌اند.

رسانه‌های اجتماعی در یک فرایند مشخص، به بستر تقویت‌کننده ایده‌ها، خالق معناها و حتی پیشران و محرک نزاع و درگیری تبدیل شده‌اند. رسانه‌های اجتماعی، ابزاری قدرتمند برای ارائه اطلاعات نادرست

دارد؛ (مانند پهلوی در ایران پیش از انقلاب اسلامی). حال آنکه در استعمار فرانسه، زمین‌بازی، اذهان و افکار عمومی ملت‌ها است و ابزارهای فرهنگی و رسانه‌ای در آن نقش مهمی دارند؛ این موضوع با عنوان «جنگ نرم» و «جنگ ترکیبی»، به دفعات، مورد تأکید رهبری معظم انقلاب قرار گرفته است.

یکی از کارکردهای رسانه در استعمار فرانسه، کنترل دولت‌ها از راه «مسئله‌سازی» برای آنها است. شایان ذکر است که این مسئله مشابه همان مفهومی است که مانوئل کاستلز بیان کرده است: «جنگ قدرت بنیادین، همان نبرد برای ساخت معنا در ذهن مردم است» و یا جوزف نای، پژوهشگر سیاسی در مورد آن گفته است: «در عصر اطلاعات، موفقیت تنها این نیست که ارتش چه کسی پیروز می‌شود بلکه به این است که روایت چه کسی پیروز می‌شود».

و ایجاد شوک و ترس هستند که با هدف تضعیف روحیه و تغییر معادلات جنگ، به کارگیری می‌شوند. رسانه‌های اجتماعی می‌توانند اطلاعات را دست‌کاری، بزرگ‌نمایی یا کوچک‌نمایی کنند؛ می‌توانند مرزهای واقعیت و ادراک را چنان تار کنند که تمایز و جدا کردن آن برای دولت‌ها سخت و هزینه‌بر و برای مردم تقریباً غیرممکن باشد؛ بنابراین در عصری که به دنبال جهانی‌سازی ارزش‌ها و هنجارها است، رسانه‌های اجتماعی، به تعبیر مانوئل کاستلز «دست‌مایه‌ای قدرتمند برای سوئیچرها و صاحبان ابزار قدرت»، به شمار می‌آیند. بی‌تردید تلاقی رسانه‌های اجتماعی، هوش مصنوعی، بیگ دیتاها و فناوری‌هایی که در آینده ظهور خواهند کرد، صحنه را پیچیده‌تر و رویارویی را چندبعدی‌تر خواهند کرد.

تضعیف امنیت ملی؛ هدف اصلی جنگ هیبریدی رسالت معنایی و شکل‌کنشگری مستقلانه جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌الملل، سبب شده است تا غرب به رهبری آمریکا، راه تعارض و کنش تهاجمی علیه کشورمان را در پیش بگیرد. مؤسسه مطالعات رند، در پنج توصیه اصلی به استراتژیست‌های آمریکایی به عنوان نقطه شروع برای پیشبرد جنگ شناختی و عملیات روانی، نکاتی را بیان می‌کند که ضمن آنکه می‌تواند مبنای طراحی استراتژی متقابل ایران علیه آمریکا باشد، نقاط مورد توجه جریان حریف را در طراحی سناریوهای عملیات روانی نیز نشان می‌دهد.

۱) رهبری؛ چه کسی باید در دولت مسئول باشد؟

۲) ارزیابی خطرات؛

۳) نقش دولت؛

۴) بازتعریف استراتژی امنیت ملی؛

۵) بازتعریف استراتژی ملی نظامی. شایان ذکر است جنگ هیبریدی بر روی دو ساحت «واقعیت میدانی» و «برساخت روایی» متمرکز است؛ بنابراین همان‌گونه که آمریکا در واقعیت میدانی، یک «کلان استراتژی» دارد، در ساحت روایی نیز یک «کلان روایت کلی» از ایران را دنبال می‌کند.

**اعتراضات ۱۴۰۱؛ مصداق بارز به کارگیری جنگ هیبریدی علیه جمهوری اسلامی ایران**  
مهم‌ترین وظیفه دولت، ایجاد امنیت است. «تهدید» در مطالعات امنیتی، از مهم‌ترین مقولاتی است که در صورت عدم پاسخ متقن، سبب حذف دولت از صحنه بین‌الملل می‌شود. برژینسکی معتقد است «مراد از امنیت ملی، امنیت نظامی صرف نیست؛ زمامداری سیاسی، قدرت اقتصادی، نوآوری تکنولوژیک، حیات ایدئولوژیکی و تلاش برای نیل به امنیت ملی، بدون عنایت به چنین ملاحظات چندانی مؤثر نخواهد بود و احتمالاً به شکست منجر می‌شود».

برای مثال، آن چه در پائیز ۱۴۰۱ اتفاق افتاد، ترکیبی از چند «تهدید امنیت ملی» بود که رهبر انقلاب با عنوان «جنگی ترکیبی» از آن یاد کردند. بررسی نقش رسانه‌های معاند فارسی‌زبان خارج کشور که با انتخاب‌گزینی اخبار میدان در کنار انتشار اخبار جعلی و با حمایت اتاق فرماندهی جنگ روانی آمریکا و اسرائیل، تلاش کردند تا با گسترده‌نمایی اعتراضات و نقاط ضعف، نارضایتی عمومی را افزایش دهند و همچنین، تشدید و ژرف‌سازی شکاف‌های اجتماعی را در دستور کار قرار دادند و با حمایت از گروه‌های تجزیه‌طلب در بستر اعتراضات، امنیت ملی را مخدوش نمودند،

از مهم‌ترین ابزارهای این شیوه از جنگ، ابزار رسانه و به طور ویژه، رسانه‌های اجتماعی هستند که با هدف تأثیرگذاری بر نظرات، عواطف و انگیزه‌های مخاطب و استخدام رفتار مخاطب در راستای پیشبرد اهداف استعماری جریان متخاصم، به کارگیری می‌شوند. در جنگ ترکیبی، تمرکز دشمن نه تنها بر بازیگران حاکمیتی که بر بازیگران غیردولتی نیز معطوف است و بنابراین پیروزی در این نبرد، نیازمند به کارگیری راهبردهای آفندی و پدافندی ویژه از جمله «رفتار شبکه‌ای» یا «دفاع هیبریدی» است.

می‌تواند به عنوان یکی از مصادیق بارز به کارگیری راهبرد جنگ هیبریدی علیه جمهوری اسلامی، مورد مطالعه دقیق قرار گیرد.

### نتیجه‌گیری

«جنگ هیبریدی» شیوه و روش جدید جنگی است که در آن دشمن به طور هم‌زمان، هم‌آهنگ و هم‌افزا، از سلاح‌های متعارف و نامتعارف و تاکتیک‌های مرسوم و غیرمرسوم برای به دست آوردن اهداف خود در میدان نبرد استفاده می‌کند.

